

شناسایی عوامل موثر بر جریان‌ها و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رابطه آن با صنعت گردشگری

مهدی کروی^۱، محمد مسعود مجیدی فر^۲

چکیده

یکی از مهمترین بسترهای افزایش تعاملات اقتصادی در عرصه بین‌المللی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. از جمله موضوعات مهم در این رابطه عوامل مؤثر بر جریان و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که در دستور کار بسیاری از پژوهش‌های اخیر قرار گرفته است. امروزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صنعت گردشگری در اغلب عرصه‌ها، مورد توجه برنامه‌ریزان دولتی و نیز بنگاه‌های خصوصی قرار گرفته است. از یک سو رشد این صنعت می‌تواند با گسترش انواع خدمات، ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه زیرساخت‌ها به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمک نماید؛ از سوی دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز می‌تواند نقش مهمی را در توسعه اقتصادی و بخصوص بخش گردشگری ایفا کند.

این پژوهش از نوع هدف، کاربردی بوده و روش تحقیق مورد استفاده توصیفی-تحلیلی است و پس از مطالعاتی در زمینه ادبیات موضوع، عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شناسایی شدند. سپس رابطه آن با گردشگری مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های جمع‌آوری شده مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که توجه به زیرساخت‌های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی، توجه به کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، توجه به کارایی، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی کشور شاید بتواند به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنعت گردشگری و شکوفایی هر چه بیشتر این صنعت در کشور ایران منجر شود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صنعت گردشگری، بهره‌وری، توسعه اقتصادی

۱ دانشیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران drkaroubi@gmail.com
۲ مدرس دانشگاه، دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری، دانشکده علوم گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

m.majidifar@usc.ac.ir

مقدمه

با شکل‌گیری و توسعه مدل‌های رشد در ادبیات اقتصادی مقوله سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه به عنوان یکی از موضوعات اساسی اقتصاد در کانون توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفت. بحث سرمایه‌گذاری می‌تواند در طیف وسیعی از مباحث اقتصادی مطرح شود؛ به عبارت دیگر همزمان که در ادبیات رشد و در سطح کلان فرایند تأمین سرمایه مورد نیاز اقتصاد، برای قرار گرفتن در سطح تعادلی رشد مطرح است، در سطح خرد نیز یافتن منابع بهینه تأمین مالی در بخش‌های مختلف حائز اهمیت می‌باشد.

سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (OECD)، سرمایه‌گذار خارجی را فرد، سازمان ثبت شده یا نشده خصوصی یا عمومی و یا گروهی از افراد یا سازمان‌ها تعریف می‌کند که دارای یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم (DIE) هستند و این سازمان در کشوری به غیر از کشور خودشان فعالیت دارد. همچنین طبق تعاریف OECD، سرمایه‌گذاری مستقیم، منعکس‌کننده هدف دستیابی به سود پایدار به وسیله یک موجودیت مقیم (سرمایه‌گذار مستقیم) در یک اقتصاد، در DIE مقیم در اقتصادی دیگر است. این سود پایدار نشان می‌دهد که بایستی رابطه‌ای طولانی مدت میان سرمایه‌گذار مستقیم و DIE وجود داشته باشد. همچنین سرمایه‌گذار مستقیم، باید نقش قابل توجهی در مدیریت DIE ایفا کند (Underwood, 2012).

بنا به تعریف صندوق بین‌المللی پول، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از انواع سرمایه‌گذاری است که برای حصول سود پایدار از طریق عملیات یک بنگاه در اقتصادی غیر از اقتصاد سرمایه‌گذار انجام می‌شود. هدف سرمایه‌گذار در این نوع سرمایه‌گذاری، داشتن نقش فعال و موثر در مدیریت شرکت است (Varsakelis et al, 2010).

سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (۲۰۰۱)، سرمایه‌گذاری غیر مستقیم خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی (پورتفلیو) را سرمایه‌گذاری در بازارهای سهام فرامرزی از طریق خرید اوراق بهادار اعم از سهام و اوراق قرضه تعریف کرده که در آن سرمایه‌گذار در پی کنترل سرمایه یا سود پایدار نیست (Yi Wu and Hsu, 2012)

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هر نوع و هر شکلی، از دید یک کشور می‌تواند ورودی یا خروجی باشد. FDI زمانی برای یک کشور ورودی است که یک کشور خارجی در کشور مورد نظر، سرمایه‌گذاری کند و بالعکس سرمایه‌گذاری کشور مورد نظر در یک کشور خارجی، با عنوان FDI خروجی شناخته می‌شود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از مجاری تأمین مالی (سرمایه) در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از مطالعات اقتصادی به بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اختصاص یافته و این پدیده را از جنبه‌های مختلفی همچون پیش‌نیازها، الزامات، تبعات، جنبه‌های مکانی و جغرافیایی و ... مورد بررسی قرار داده‌اند. در بخشی از مطالعات صورت گرفته در این حوزه عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. این موضوع طی دهه اخیر که کشورها به نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تأمین سرمایه مورد نیاز خود و اثرات سرریز آن پی برده‌اند، هر چه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که بدون شک چنانچه تصویر روشنی از الزامات و عوامل مؤثر بر جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد شود، سیاست‌گذاران کشورهای مختلف قادر خواهند بود با برآورده کردن آنها، هر چه بیشتر از جریان سرمایه در عرصه بین‌المللی منتفع شوند (Cuyvers et al, 2011).

گسترش صنعت گردشگری نیز با توجه به مراکز سیاحتی و زیارتی و مناطق ناب و استثنایی طبیعی

می‌تواند در رونق صنعت داخلی موثر باشد. زیرا معمولاً گردشگران بهترین و در دسترس ترین صادرکنندگان صنایع داخلی هر کشور محسوب می‌شوند و حتی بسیاری از کشورهای توریستی دنیا با ایجاد جشنواره‌های خرید و نمایشگاه‌های بین‌المللی و همچنین ارائه تخفیفات ویژه در زمینه حمل و نقل و امکانات اقامتی، گردشگران را به منظور خرید صنایع داخلی خود به کشورشان می‌کشانند. به طوری که بررسی‌ها نشان می‌دهد که صنعت گردشگری در دنیا، سومین صنعت پردرآمد پس از صنایع نفت و خودرو می‌باشد که نقش مهمی در ترغیب سرمایه‌گذاری، ایجاد درآمد برای دولت و اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در سراسر دنیا داشته است.

آگاهی جوامع از این که گردشگری منبع درآمدی ارزی بسیار مناسبی در اختیار یک کشور قرار می‌دهد، باعث شده است که گردشگری مفهوم بسیار گسترده‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده و به عنوان یک صنعت تلقی گردد (بهبودی، ۱۳۸۹).

لذا از طرفی قابلیت‌های عمده صنعت گردشگری، مانند گسترش انواع خدمات، ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد فضای تعامل و توسعه اجتماعی و انسانی به مناسب شدن فضای جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند و از طرف دیگر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز می‌تواند به وسیله توسعه زیرساخت‌ها مانند بزرگراه‌ها، هتل‌ها و تکنولوژی‌های مدرن، علاوه بر گسترش صنعت در شاخه‌های مختلف، در توسعه صنعت گردشگری نیز موثر باشد.

بیان مسئله

نقش رونق صنعت گردشگری در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بالعکس، موضوعی است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران این مقوله قرار گیرد. در واقع در این پژوهش، مسئله، یافتن رابطه روشن

بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صنعت گردشگری است و اینکه این دو موضوع، از چه طریقی می‌توانند بر یکدیگر، اثر گذار باشند. یافتن عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارتباط آن با صنعت گردشگری می‌تواند در شکوفایی هر چه بیشتر این صنعت، نقش بسزایی داشته باشد و این پژوهش در صدد شناسایی عوامل تاثیرگذار بر رونق این صنعت از نقطه نظر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد.

اهمیت و ضرورت موضوع

از آنجایی که امروزه، صنعت گردشگری در رتبه سومین صنعت درآمدزا و مهم دنیا قرار گرفته است و نقش موثری در توسعه اقتصادی و فرهنگی ملل مختلف دارد و باعث ایجاد اشتغال و تحول در مناطق محروم می‌گردد، لذا رونق این صنعت، اهمیت خاصی در ملل مختلف، پیدا کرده است.

بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز امروزه اهمیت خاصی را در محافل مختلف پیدا نموده است و از مواردی است که باعث ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در جوامع مختلف می‌گردد و کشورها به هر طریقی می‌کوشند تا سهم بیشتری را از این مقوله ببرند و یکی از عوامل رتبه‌بندی کشورها از نظر درجه توسعه یافتگی و رونق اقتصادی، میزان موفقیت آنها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. لذا شناسایی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است

با توجه به مطالب گفته شده، اهمیت و ضرورت تلفیق و ارتباط این دو موضوع، کاملاً واضح و مبرهن است. از طرفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه گردشگری، می‌تواند باعث رونق این صنعت شود و همچنین خود صنعت گردشگری، می‌تواند باعث ایجاد زمینه‌های مناسب در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

انگیزه های اقتصادی در سرمایه گذاری مستقیم خارجی

در ادبیات سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سه انگیزه اقتصادی اهمیت ویژه ای دارند. در حقیقت، جذب این نوع سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه با هدف جستجوی منابع، جستجوی بازار و جستجوی کارایی دنبال می شود (مارتین ۲۰۰۰). گسترش جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به این کشورها به طور عمده در پاسخ به تأمین منابع تولیدی و مالی برای سرمایه گذاری و افزایش ظرفیت های تولیدی است. علاوه بر این، اهداف سرمایه گذار خارجی و بنگاه های میزبان گسترش بازارهای صادراتی از طریق توسعه ظرفیت های تولیدی است که در چارچوب یک اقتصاد ملی و اقتصاد منطقه ای یا فراملی دنبال می شود. تحقق این اهداف، زمینه های رشد را در کشور و بنگاه میزبان نیز فراهم می سازد. در نهایت، از طریق انتقال فناوری و دانش فنی که نتیجه گسترش جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صنایع کشور میزبان است، سرریزهای فناوری انباشت می شود که سطح بهره وری عوامل تولید را در کشورهای در حال توسعه افزایش می دهد، به طوری که کارایی این صنایع را به سمت شرکت های سرمایه گذار در کشور میزبان که معمولاً از کشورهای توسعه یافته است، سوق داده و منجر به تحول در ساختار آن می شود (Jadhav, 2012).

روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی

بررسی روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سه دهه پایانی قرن بیستم، حاکی از سهم قابل توجه آن در نقل و انتقالات بین المللی سرمایه است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی رشد قابل توجهی را تجربه کرد، به طوری که در سال ۱۹۷۳ رشد جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی حتی به ۶۴ درصد نیز رسید. پس از شوک نفتی اول، جریان

گردد و سرمایه گذاران را به این امر به منظور ایجاد اشتغال و درآمدزایی، تشویق نماید.

مروری بر ادبیات موضوع

رشد صنعت گردشگری بین المللی در کشورهای در حال توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. این کشورها گردشگری را به عنوان یک راه امید بخش بالقوه برای دستیابی به رشد اقتصادی و انسانی تلقی می کردند با رشد روزافزون حمل و نقل و ارتباطات در جوامع توسعه یافته، تقاضا برای گردشگری بین المللی نیز سریعاً رشد پیدا کرد. گردشگری یکی از فعالیت های مهم و پیچیده اقتصادی است که گاهی اوقات این سوال مطرح می شود که آیا گسترش این صنعت می تواند مفید باشد یا نه و این ابهام بیشتر در

مورد کشورهای در حال توسعه و جوامعی که در حال گذار از حالت سنتی به حالت مدرن و صنعتی هستند، مطرح است.

در کشورهای کوچک با منابع سرمایه ای کمتر، صنعت گردشگری عامل مهم استراتژی توسعه و برای کشورهای بزرگ تر، به عنوان یک منبع اضافی کسب درآمد و راهی برای پیشرفت مناطق کمتر توسعه یافته در این کشورها است (Hickman, 2007).

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، رشد گردشگری متاثر از عواملی مانند تعداد گردشگر وارد شده به کشور و درآمد حاصل از مبادلات تجاری ناشی از آن است و در بعضی از آنها گردشگر به عنوان موتور رشد محسوب می شود. اما این صنعت در کنار تاثیرات مثبت، می تواند عامل مهمی در ایجاد تغییرات جدی اجتماعی و فرهنگی مانند تغییر در آداب و رسوم اصلی و سنتی محلی، متلاشی شدن ساختار اجتماعی جوامع و ... نیز باشد (Gollub, Hosier and Woo, 2003).

سرمایه گذاری مستقیم خارجی به شدت کاهش یافت و در سال ۱۹۷۴ رشد آن به ۷- درصد رسید. پس از آن بار دیگر روند افزایشی آن ادامه یافت و با بیش از ۲/۵ برابر افزایش، از ۲۴۰۹۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۶۲۶۷۹ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ رسید. در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ که مصادف با پیامدهای شوک نفتی دوم در سال ۱۹۷۹ و همچنین، بحران بدهی ها بود، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ به ترتیب، نرخ های رشد ۱۵- و ۳۱- درصد را تجربه کرد. به طور کلی، در این دوره جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی از یک روند نزولی برخوردار بود و کل جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان، در سال ۱۹۸۵ نسبت به سال ۱۹۷۹ به میزان ۴۱۰۷ میلیون دلار کاهش یافت. سهم کشورهای توسعه یافته از کل جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این دوره از ۸۵ درصد به ۷۳ درصد رسید و سهم این کشورها از جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز حدود ۶ درصد کاهش یافت. در طی این دوره با وجود افزایش سهم کشورهای در حال توسعه از هر دو جریان ورودی و خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی، مقدار مطلق جریان های ورودی و خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی کشورهای در حال توسعه نیز به ترتیب، نرخ های رشدی معادل ۸۰ و ۲۰۰ درصد برای ۵ سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ را تجربه کرد (Gondor et al, 2012).

در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان بار دیگر افزایش یافت و جریان ورودی آن در سال ۱۹۹۰ نسبت به سال ۱۹۸۵ با ۲۴ درصد رشد سالانه، تقریباً ۳ برابر شد. با وجود افزایش مذکور، سهم کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در طی این دوره تقریباً ثابت بوده به طوری که سهم کشورهای در حال توسعه از جریان ورودی و خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی تقریباً در سال

های مختلف حدود ۶ الی ۹ درصد برای خروجی و ۲۰ الی ۳۰ درصد برای جریان ورودی بوده که بخش عمده آن متعلق به کشورهای آسیایی بوده است، به طوری که سهم آنها از جریان ورودی تقریباً از ۱۰ درصد به ۱۲ درصد افزایش یافته است، حال آنکه سهم کشورهای آفریقایی- علی رغم افزایش مقدار مطلق جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی- از ۲ درصد تقریباً به ۱ درصد رسیده است (Gondor et al, 2012).

مقارن با جنگ اول خلیج فارس در سال های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز در دنیا کاهش یافت و از رقمی معادل ۲۳۴۸۸۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ تا ۱۸۹۳۹۳ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ کاهش پیدا کرد. در طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۴ سهم کشورهای توسعه یافته از جریان خروجی و ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی کاهش یافته و در مقابل، سهم کشورهای در حال توسعه افزایش پیدا کرد. در این دوره، برخلاف کشورهای توسعه یافته که جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در آنها از رشد منفی برخوردار بود، هر دو جریان ورودی و خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی کشورهای در حال توسعه با افزایشی قابل توجه تقریباً ۲/۸ برابر شد. در دوره ۱۹۹۴-۲۰۰۰ که بحران جنوب شرقی آسیا نیز در این دوره اتفاق افتاد، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دنیا تقریباً ۴ برابر شد و از ۲۵۰۵۸۶ به ۱۲۴۵۳۴۵ میلیون دلار رسید. در این دوره جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ که مصادف با پایان بحران مالی کشورهای آسیایی است، به ترتیب، نرخ های رشدی معادل ۵۳ و ۴۱ درصد را تجربه کرد. در طی این سال ها، علی رغم افزایش جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه- بیش از دو برابر- و توسعه یافته، سهم کشورهای توسعه یافته از جریان های ورودی و خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ترتیب، ۲۲

و سایر مناطق افزایش یافته است. ولی حقیقتی که وجود دارد این است که گردشگران به کشوری سفر می کنند که در آنجا خدمات گردشگری (هتل و...) و زیر ساخت‌های مرتبط با آن مهیا باشد. بنابراین باید با ایجاد فرصت های جدید برای بهبود خدمات گردشگری به جذب هرچه بیشتر گردشگر مبادرت ورزید.

به نظر اوه نخستین دلیل توسعه صنعت گردشگری در اغلب کشورها، بهره برداری از منافع اقتصادی آن است (oh,2005). اگرچه دلایل دیگری نیز در این مورد ارائه می گردد. صنعت گردشگری می تواند تاثیر مهمی بر افزایش اشتغال، درآمدهای مرتبط با مکانه ای اقامتی و هتل ها، گسترش انواع خدمات و توسعه زیرساخت ها داشته باشد که حتی در نهایت می تواند منجر به افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز گردد. گردشگری یکی از فعالیت هایی است که سرمایه، زیرساخت، دانش و اطلاعات، تبادل فرهنگ و دستیابی به بازارهای جهانی و زنجیره توزیع می تواند متاثر از آن باشد. از آنجایی که گردشگری یکی از صنایع خدماتی است، از این رو علاوه بر این که درآمد ارزی حاصل از این صنعت، بخشی از تولید ناخالص داخلی کشور میزبان محسوب می شود، افزایش تعداد گردشگران مدیر و موسس شرکت های کشورهای مختلف که به دنبال مکانی امن برای سرمایه گذاری هستند، می تواند موجب افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی شود (Saroja Selvanathan,2009). از سوی دیگر سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز بر توسعه گردشگری موثر است که با توسعه تسهیلات و زیر ساخت های گردشگری از جمله توسعه حمل و نقل و راه‌ها، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین توسعه اماکن اقامتی، رستوران ها و هتل ها سبب توسعه صنعت گردشگری می شود (UNCTAD,2007).

و ۷ درصد افزایش یافت. در این دوره اگرچه مقدار مطلق جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای آفریقایی و آسیایی در حال توسعه تقریباً ۲ برابر شده است، لیکن سهم هر دو از کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش یافته است (Gondor et al, 2012).

بر اساس گزارش سرمایه گذاری خارجی جهان ۲۰۱۶، کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام‌شده در جهان طی سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۱,۷۶ تریلیون دلار بوده است که نسبت به سال پیش از آن ۲۷,۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

بر اساس برآوردهای آنکتاد این رقم در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱,۲۷ تریلیون دلار بوده است. کشورهای توسعه یافته بیشترین سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در این سال جذب کرده‌اند. این کشورها ۵۴,۶ درصد کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان یعنی بیش از ۹۶۲ میلیارد دلار را در سال ۲۰۱۶ جذب کردند (UNCTAD,2016).

سهم کشورهای در حال توسعه نیز در این زمینه نزدیک به ۴۳,۳ درصد برابر با ۷۶۴ میلیارد و ۶۷۰ میلیون دلار بوده است. اقتصادهای درحال گذار نیز حدود ۲,۹ درصد از کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان را در سال ۲۰۱۴ به خود اختصاص دادند. در سال ۲۰۱۲ برای نخستین بار، کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه یافته در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی پیشی گرفتند و این وضعیت را در سال ۲۰۱۴ نیز حفظ کردند اما در سال ۲۰۱۵ دوباره میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم کشورهای توسعه یافته بیشتر شد (UNCTAD,2016).

در سال های اخیر، پتانسیل اقتصادی صنعت گردشگری به عنوان یکی از صنایعی که دارای امکان رشد سریع می باشد، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه



شکل ۱: رابطه بین گردشگری و FDI

روش تحقیق

این پژوهش از نوع هدف، کاربردی بوده و روش تحقیق مورد استفاده توصیفی-تحلیلی است و پس از مطالعاتی در زمینه ادبیات موضوع، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی شناسایی می‌شوند. سپس رابطه آن با گردشگری مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های جمع‌آوری شده مورد تحلیل قرار می‌گیرند. سپس بر مبنای تحلیل صورت‌گرفته، ساختار مدل، ارائه می‌گردد. در نهایت عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور رونق صنعت گردشگری تبیین می‌شوند.

عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری

مستقیم خارجی (بحث نظری)

بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی به دلیل روابط پیشین و پسین و نیز مصادیق مختلف آن، در حوزه اقتصاد می‌تواند با رویکرد نظری از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً در مورد موضوعاتی چون بررسی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با سرمایه گذاری پرتفوی خارجی، نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی وجوه حقوقی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تعهدات مترتب بر آن و... مبنای نظری به نسبت قابل توجهی وجود دارد. اما در ارتباط با عوامل مؤثر بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی پاره ای از نظریات وجود دارند که کمتر از مبنای نظری (ریاضی) و مدل سازی پیچیده برخوردارند. بلکه اغلب منبعث از مطالعات تجربی هستند (Lim, 2007).
 اجمالاً آنکه عمده نظریه های موجود درباره عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی با فرض وجود بازارهای ناقص مطرح شده اند، در این چارچوب سه نظریه اساسی جلب توجه می کند که عبارتند از: نظریه سازمان صنعتی که اغلب، ناظر به مشکلات فعالیت یک بنگاه در کشورهای خارجی، ناشی از زبان، فرهنگ، ساختار سیاسی و قضایی و... است به نوعی در قالب یک عدم مزیت جلوه می نماید. نظریه درونی کردن که دلالت دارد بر اینکه یک بنگاه با حضور در بازار هدف بسیاری از هزینه هایی را که باید در صورت دور بودن از آن بازار متحمل می شد، دیگر متحمل نمی شود؛ همچون هزینه کسب اطلاعات، چانه زنی، برخی نااطمینانی ها، بازاریابی گسترده و... . نظریه مکانی که ناظر است بر تمایل سرمایه‌گذاران در استفاده از برخی عوامل تولید که قابلیت انتقال و تحرک بسیار اندکی دارند و استفاده از

دسترسی به آبهای آزاد و ... اشاره نمود (Gorg H et al, 2007).

عوامل تأثیر گذار بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در یک صنعت

یکی از پرسش های اساسی که همواره در یک اقتصاد وجود دارد این است که چرا برخی صنایع و بنگاه های اقتصادی تمایل و انگیزه بیشتری به سرمایه گذاری های داخلی و خارجی دارند و از این جهت، حاضر به پذیرش خطرات آن نیز هستند. در حالی که برخی صنایع نیز یافت می شوند که ریسک گریزی را بر جریان سرمایه گذاری ترجیح می دهند. پاسخ این سوال را می توان در چگونگی تأثیر گذاری متغیرها و عوامل مختلف اقتصادی بر فعالیت های صنایع و بخش های مختلف اقتصادی جستجو کرد. جذب سرمایه گذاری از سوی یک صنعت و یا بنگاه های تولیدی در نتیجه اثرات عوامل تعیین کننده ای مثل سودآوری، اندازه صنعت و یا بنگاه، درجه تمرکز صنعتی و صادرات صنعتی، هزینه های توسعه و تحقیق (R&D) و نرخ ارز دوگانه و چندگانه بین کشورهاست (تریوینو و دانلیز، ۱۹۹۶).

سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تعداد ورود گردشگر

آمارها نشان می دهد هر چه تعداد ورود گردشگر بین المللی در سطح جهان افزایش می یابد، میزان سرمایه گذاری خارجی نیز افزایش می یابد. از این رو، صنعت گردشگری می تواند راهکارهای مناسب برای کسب درآمدهای ارزی سرشار برای کشورها و در نتیجه افزایش میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی باشد. همچنین نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به GDP در کشورهای در حال توسعه نسبت به کل جهان و سایر مناطق، کمتر می باشد. لذا جبران این مقدار از

آنها در محل، مزایای بسیاری به همراه دارد؛ همچون نیروی کار، منابع طبیعی، ویژگیهای اقلیمی و ... لازم بذکر است که در این مورد نظریه چهارمی نیز مطرح است که از ترکیب سه نظریه گذشته حاصل شده است. این نظریه که به اصطلاح به نظریه ترکیبی معروف است، عملاً مجموعه ای از مباحث مطرح شده در سه نظریه بالا را در بر دارد (Blonigen, 2005). با توجه به مبانی نظری موجود می توان عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در سه گروه کلی زیر خلاصه نمود که عبارتند از:

عوامل اقتصادی

در این گروه مجموعه عواملی مدنظر قرار می گیرند که به نوعی به محیط کلان اقتصاد مرتبط می شوند. شاخص هایی چون ساختار تعرفه ها و مالیات ها، ساختار رژیم تجاری، نیروی کار و سطح دستمزد، زیرساخت های اقتصادی، ساختار سرمایه گذاری و پس انداز ملی، وضعیت یارانه ها، معافیت ها و حمایت ها، ساختار بازار پولی و ارزی کشور، ساختار تأمین مالی، اندازه دولت و ...

عوامل سیاسی و حقوقی

در این گروه اغلب مجموعه عواملی مورد بررسی قرار می گیرند که ذاتاً ماهیتی اقتصادی نداشته، اما می توانند اثرات قابل توجهی بر بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشته باشند که از آن جمله می توان به ساختار حقوقی مالکیت، بحث مالکیت معنوی، ریسک سیاسی کشور، وضعیت بوروکراسی و قدرت دولت و ... اشاره نمود.

عوامل مکانی و جغرافیایی

در این گروه معمولاً شاخص هایی مورد بررسی قرار می گیرند که به نوعی بیانگر تفاوت های کشورها از نظر جغرافیایی (فضایی) هستند. در این مورد می توان به موقعیت ترانزیتی کشور، ساختار منابع معدنی و زیرزمینی کشورها، بحث دسترسی به بازارهای بین المللی، بحث ادغام ها و ترتیبات منطقه ای و

FDI در این گروه از کشورها می تواند از طریق افزایش تعداد گردشگر وارد شده به کشور صورت گیرد (WDI,2015).

اساس میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران در این سال کمتر از ۶۶ کشور بوده است (UNCTAD,2016).

جایگاه ایران در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

بر اساس گزارش نهاد بین المللی آنکتاد، علی رغم سیگنال ها و اشتیاق دولت یازدهم برای جذب سرمایه گذاری بیشتر، سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب شده توسط ایران در سال ۲۰۱۵ وارد سومین سال متوالی کاهشی خود شد و ۲,۶ درصد نسبت به سال پیش از آن کاهش یافت. ایران در سال ۲۰۱۴ با کاهش ۳۰,۹۸ درصدی و در سال ۲۰۱۳ با کاهش ۳۵ درصدی جذب سرمایه گذاری خارجی مواجه شده بود. ایران در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۲ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب کرده بود که این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار کاهش یافته است. میزان سرمایه مستقیم خارجی جذب شده در سال ۲۰۱۳ نیز ۳ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۲ برابر با ۴ میلیارد و ۶۶۲ میلیون دلار برآورد شده است. کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی که ایران از دهه ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۵ جذب کرده است ۴۵ میلیارد و ۹۷ میلیون دلار برآورد شده است.

بر اساس این گزارش، ایران در سال گذشته میلادی ۱۳۹ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم در خارج انجام داده است که این رقم برای سال پیش از آن ۸۹ میلیون دلار بوده است. کل سرمایه گذاری مستقیم ایران در خارج از دهه ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۵ نیز ۲ میلیارد و ۴۵۵ میلیون دلار بوده است (UNCTAD,2016).

میان ۲۰۳ کشور مورد بررسی در این گزارش، ایران در رتبه ۶۷ جهان از نظر میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۵ قرار گرفته است. بر این

مروری بر مطالعات انجام شده

مطالعات انجام شده در ایران در رابطه با

سرمایه گذاری مستقیم خارجی

بطور کلی تحقیقات انجام شده در ارتباط با سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران را حسب موضوع می توان در چهار گروه کلی طبقه بندی نمود.

الف) گروه اول پژوهش هایی هستند که بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بصورت خاص در مورد ایران و یا موضوعات مرتبط با ایران مورد تحلیل قرار داده اند.

ب) در بخشی از مطالعات به بررسی نقش و تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در فرایند رشد اقتصادی پرداخته شده است. در این گروه مطالعات در قالب ادبیات رشد اقتصادی و به صورت بین کشوری و بسته به دامنه پژوهش به این نکته که سرمایه گذاری مستقیم خارجی تا چه حد توانسته در تأمین سرمایه مورد نیاز کشورها در فرایند رشد مؤثر باشد پرداخته شده است.

ج) گروه دیگر از مطالعات مجموعه پژوهش هایی هستند که به بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سطح کلان پرداخته اند که عملاً مقاله حاضر نیز در این گروه طبقه بندی می شود.

د) این گروه از مطالعات شامل آن دسته از تحقیقات می شود که به نوعی در گروه های فوق قرار نگرفته و عملاً به بررسی تأثیر و ارتباط متقابل سرمایه گذاری مستقیم خارجی با متغیرهای منتخب اقتصادی می پردازند.

مطالعات انجام شده در خارج از کشور در رابطه با سرمایه گذاری مستقیم خارجی
 با توجه به دامنه نسبتاً وسیع بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی مطالعات مختلفی در این رابطه انجام

شده است. اما با توجه به موضوع مطالعه حاضر از مطالعاتی که در مورد بررسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه گذاری خارجی انجام شده، می توان به برخی موارد که در جدول (۱) آمده است، اشاره کرد.

جدول ۱. نمونه ای از مطالعات انجام شده در سایر کشورها

نام محقق	سال	موضوع و روش	نتایج
پیتر و کرد	۲۰۰۱	بررسی عوامل مؤثر بر جریان FDI	اثر معنی دار سطح دستمزد، نرخ ارز، نرخ بهره، درجه آزادی اقتصادی، ساختار مالیاتی
پراساد و جین وی	۲۰۰۵	بررسی عوامل مؤثر بر FDI به کشور چین	اثر معنی دار ورود موفقیت آمیز چین به بازارهای مالی جهانی و انجام شفاف سازی های لازم در این رابطه و مدیریت صحیح ریسک
بلانینگن	۲۰۰۵	مرور مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر FDI	مروری بر مطالعات طی سه دهه اخیر
گورج و دیگران	۲۰۰۷	بررسی رابطه FDI، هزینه اجتماعی و رقابت های مالیاتی	ارتباط تنگاتنگ بین سیاست های رفاهی، مالیات بر شرکت ها و جریان FDI
سینگ و جان	۱۹۹۵	عوامل مؤثر بر جریان FDI (کشورهای در حال توسعه)	اثر معنی دار تعداد روزهای تعطیل، کیفیت فضای کسب و کار و...
آلوارز	۲۰۰۳	عوامل مؤثر بر خروج FDI از ناحیه کاتالان اسپانیا	اثر معنی دار تمرکز بر صنایع تکنولوژیک، اندازه بازار، ریسک پایین و...

مطالعات انجام شده در رابطه با سرمایه گذاری مستقیم خارجی و گردشگری
 بررسی ادبیات موضوع نشان می دهد که کارشناسان بسیاری چه در داخل و چه در خارج از کشور، در زمینه گردشگری و تاثیر آن بر متغیرهای اقتصادی تحقیق کرده اند که میتوان به توه و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، بالاگوئر و کانتاولا^۲ (۲۰۰۲)، اجنیو مارتین و همکاران^۳ (۲۰۰۴)، دریتساکیس^۴ (۲۰۰۴) و اوه^۵ (۲۰۰۵) در خارج از کشور اشاره کرد. طبق بررسی های انجام یافته توسط نویسندگان، تنها کار تجربی صورت گرفته در خارج از

کشور در مورد بررسی رابطه بین FDI و گردشگری مربوط به مطالعات ساروجا سلواناتان و بریندا ویسواناتان^۶ (۲۰۰۹) تحت عنوان بررسی رابطه علی بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و گردشگری در هند می باشد. آنها به این نتیجه رسیده اند که یک رابطه علی یک طرفه از سوی FDI به سمت تعداد گردشگر وارد شده به این کشور وجود دارد.

در داخل کشور نیز چندین مطالعه به بررسی رابطه علی بین گردشگری و متغیرهای اقتصادی پرداخته است. طیبی و همکاران (۱۳۸۷)، به بررسی رابطه علی گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای OECD بعلاوه ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که رابطه علی دو طرفه بین این دو متغیر وجود دارد. خوارزمی (۱۳۸۴)،

1 Toh, et al
 2 Balaguer & Kantavella
 3 Eugenio-Martin et al
 4 Dritsakis
 5 oh

در مطالعه خود تحت عنوان بررسی رابطه علی بین گردشگری و تجارت در ایران به این نتیجه رسیده است که رابطه علی یک طرفه بین تجارت و گردشگری (از تجارت به گردشگری) بر قرار است و تجارت به عنوان یک عامل مهم در تقاضای گردشگری به شمار می رود. بهبودی و باستان (۱۳۸۹) به بررسی رابطه علی بین متغیرهای گردشگری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد پایین و متوسط طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۷ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که یک رابطه علی یک طرفه از سوی گردشگری به FDI در این گروه از کشورها برقرار می باشد.

ساختار مدل

با توجه به مطالعات انجام شده، تقریباً تمامی مدل‌های بکار گرفته شده در مورد عوامل مؤثر بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی اغلب در قالب یک الگوی تعادل بخشی بیان شده اند؛ بدین معنا که در قالب الگوهای تک معادله ای و فارغ از معادلات سیستمی و بلندمدت به بررسی رفتار جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی پرداخته و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل کرده اند. بطور کلی چارچوب کلی این مدل ها به شکل معادله زیر ارائه می شود:

$$FDI_{it} = F (Z_{it} , Q_{it})$$

بدین صورت که جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی تابعی از ماتریسی از متغیرهای مستقل اقتصادی با نماد Z_{it} است (درگاهی، ۱۳۸۵). از جمله مطالعاتی که با این رویکرد انجام شده اند می توان به باجو و سیمون (۱۹۹۴)، کمیجانی و عباسی (۱۳۸۵)، نجارزاده و شقاقی (۱۳۸۵) و عاقلی کهنه شهری (۱۳۸۴) اشاره کرد. گروه دیگری از متغیرها به نوعی تفاوت های غیراقتصادی بخش های (کشورهای) مورد بررسی را بیان می کنند، که با ماتریس Q_{it} نشان داده می شود. این ماتریس می تواند متغیرهای حقوقی، مکانی و یا حتی

متغیرهای مجازی و کنترل را در بر بگیرد که در این مورد می توان به مطالعه سینگ و جان (۱۹۹۵) اشاره نمود. لازم بذکر است که نمادهای t, i به ترتیب بیانگر کشور یا منطقه و مقطع زمانی مورد مطالعه هستند. در این مطالعه نیز از چنین رویکردی استفاده شده و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی تابعی از متغیرهای زیر در نظر گرفته شده است.

ساختار مالیاتی (HT1): در این رابطه از بالاترین نرخ مالیات بر شرکت ها استفاده می شود. کشوری که نرخ مالیاتی بیشتر داشته باشد، تمایل برای ورود سرمایه خارجی در آن کمتر خواهد بود.

ساختار بازار ارزی (REX): در این رابطه از نرخ ارز واقعی مؤثر استفاده می شود تا از نارسائی های موجود در نرخ ارز اسمی به عنوان یک متغیر اسمی پرهیز شود. وضعیت مبادلات ارزی کشور مورد نظر با خارج (NIG): در این رابطه از نسبت جریان درآمد کشورها از خارج به تولید ناخالص داخلی آن استفاده شده است. انتظار می رود هر چه مبادلات ارزی (درآمدی) کشور بیشتر باشد زمینه مناسب تری برای مبادلات سرمایه خارجی فراهم شود.

درجه باز بودن اقتصاد (open): انتظار می رود هر چه اقتصاد از نظر تجاری (حاصل جمع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی) بازتر باشد، بستر مناسب تری برای حضور سرمایه خارجی فراهم می شود. سهم صادرات تکنولوژیک (TEC): از آنجا که بخش قابل توجهی از جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی با هدف بهره مندی از مزایای مستقیم و غیر مستقیم فناوری موجود در کشورها (عمدتاً توسعه یافته) بسوی آنها روان می شود، اینکه کشور هدف تا چه حد در سطح بالایی از فناوری قرار دارد، ملاکی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی محسوب می شود. بنابراین برای کمی کردن این موضوع و در نظر گرفتن آن

می‌شود که در آن اندیس های i و w به ترتیب بیانگر کشور مورد نظر و مقدار جهانی متغیر مورد نظر است.

$$ND_i = \frac{FDI_i / FDI_w}{GDP_i / GDP_w}$$

ج) شاخص پتانسیل جذب سرمایه خارجی: در محاسبه این شاخص از معیارهایی چون حجم تولید ناخالص ملی کشور، تشکیل سرمایه ناخالص، ریسک کشور مورد نظر، اندازه بازار، حجم تجارت خارجی و ... استفاده می‌شود. اجمالاً اینکه این شاخص قابلیت بالقوه کشورها را در جذب سرمایه خارجی نشان می‌دهد.

از آنجا که جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نمی‌تواند به تنهایی ملاک مناسبی برای مقایسه کشورها باشد و لازم است اندازه و مقیاس اقتصاد کشور مورد نظر نیز مدنظر قرار گیرد؛ در تحقیق حاضر از دو متغیر مجزا بعنوان متغیر وابسته استفاده شده است که عبارتند از: الف) نسبت جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به شاخص پتانسیل جذب، ب) شاخص عملکرد جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی.

متغیر اول بیان می‌کند که کشور مورد نظر با توجه به پتانسیلی که در اختیار داشته است، موفق به جذب چه مقدار سرمایه خارجی شده است. شاخص عملکرد (متغیر دوم) نیز عملکرد نسبی کشور را با توجه به مقیاس آن کشور در سطح جهان بیان می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

آنچه مسلم است ایران طی دهه های گذشته به لحاظ شاخص جذب سرمایه خارجی جایگاه چندان مطلوبی را در سطح جهان و منطقه کسب نکرده است. این وضعیت نامطلوب باعث شده تا در دهه اخیر اقدامات گسترده ای جهت بستر سازی و فراهم کردن زمینه جذب سرمایه خارجی در کشور انجام شود که از جمله

در مدل از متغیر سهم کالاهای صادراتی با فناوری بالا (در کشورهای مختلف) استفاده می‌شود.

سهم یارانه ها و حمایت های دولت ها (SUB): انتظار می‌رود افزایش حجم یارانه ها به دلیل ایجاد اختلال در قیمت های نسبی اقتصاد و در مقابل؛ ایجاد زمینه های رانت جویی با مخدوش نمودن فضای کسب کار، تمایل کمتری در سرمایه گذاران خارجی ایجاد نماید.

وضعیت بازار مالی کشور (امنیت وام دهی: GRE): اصولاً هرچه سهم وام های مبتنی ضمانت؛ بویژه ضمانت دولتی افزایش یابد، به نوعی حکایت از فضای نامطلوب بازار مالی کشور دارد و عملاً بعنوان یک عامل بازدارنده در مقابل ورود جریان سرمایه خارجی عمل می‌کند؛ بدین منظور از نسبت وام های تضمین شده توسط بخش عمومی به کل وام های اعطایی استفاده شده است. هر چه این نسبت بزرگتر باشد، حکایت از عدم بلوغ و نا امنی بازار مالی کشور مورد نظر داشته و خود می‌تواند مانعی برای ورود جریان سرمایه های خارجی بحساب آید.

نسبت پس انداز- سرمایه گذاری (RGDSAV1): اینکه تا چه سهمی از پس انداز کلان ملی تبدیل به سرمایه (تشکیل سرمایه داخلی) می‌شود؛ خود یکی از معیارهای فضای کسب و کار بوده و نشان می‌دهد که یک اقتصاد تا چه حد قادر به جذب سرمایه است. آزادی اقتصادی (F): یکی از مهمترین موضوعات در بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی است.

برای متغیر وابسته در مدل مورد نظر می‌توان از سه نوع متغیر بشرح زیر بهره جست:

الف) جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی که یک متغیر پولی است و ارزش دلاری جریان سرمایه ورودی به کشورها را (بر حسب دلار) بیان می‌نماید.

ب) شاخص عملکرد جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی: این شاخص به شکل زیر محاسبه

این اقدامات می توان به تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه خارجی اشاره کرد. همچنین در برنامه های توسعه کشور نیز تأکید بسزایی بر جذب سرمایه گذاری خارجی شده است.

امروزه توسعه گردشگری در تمامی عرصه ها، مورد توجه برنامه ریزان دولتی و شرکت های خصوصی قرار گرفته است. بسیاری از کشورها به این حقیقت پی برده اند که برای بهبود وضعیت اقتصادی خود باید ابتکار عمل به خرج داده و درصدد یافتن راه های جدید برآیند. آگاهی جوامع از این که گردشگری منبع درآمدی ارزی بسیار مناسب و قابل ملاحظه ای در اختیار اقتصاد یک کشور قرار می دهد، باعث شده است که گردشگری به عنوان یک صنعت تلقی گردد.

در این مقاله سعی شد تا ضمن مروری بر ادبیات موضوع با توجه به تعدد نتایج بدست آمده از مطالعات صورت گرفته در ارتباط با عوامل مؤثر بر جریان و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تصویری واحد و قابل تعمیم از این عوامل ارائه شود. از مجموع عوامل بررسی شده عواملی چون: نظام مالیاتی، وضعیت مبادلات (درآمد) ارزی، سهم صادرات تکنولوژیک، وضعیت بازار مالی کشور، وضعیت پس انداز - سرمایه گذاری و سهم یارانه ها و حمایت های دولتی بسته طبقه بندی کشورها و با شدت و ضعفی متفاوت می توانند بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی مؤثر باشند. اما عواملی چون درجه باز بودن اقتصاد و آزادی اقتصادی به عنوان عوامل کلیدی در همه مدل ها و برای تمامی گروه های کشوری معنی دار ظاهر شدند. آزادسازی فضای اقتصادی کشور به عنوان یک عامل کلیدی تعیین کننده جریان سرمایه گذاری خارجی به حساب می آید؛ به عبارت دیگر چنانچه سایر عوامل مؤثر را به عنوان شرط لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی تلقی نماییم، مصادیق آزادسازی اقتصادی (آزادی اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد ...) شرط کافی برای تحقق این امر محسوب

می شود که می تواند در مورد ایران نیز کاربرد یابد. در رابطه با عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز می توان به انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی، عوامل حمایتی، عوامل سیاسی و عوامل جغرافیایی اشاره کرد.

مهمترین توصیه سیاستی تحقیق، این است که برنامه ریزان و سیاست گذاران اقتصادی کشورها به منظور افزایش میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی، باید به صنعت گردشگری توجه بیشتری کرده و با اعمال سیاست های مناسب، به تقویت و ارتقای شاخص توسعه گردشگری مبادرت ورزند.

پیشنهادات

به منظور افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی، از طریق توسعه صنعت گردشگری موارد زیر پیشنهاد می شود:

- توجه به صنایع دستی کشورها و سرمایه گذاری بیشتر در این زمینه
- جهت دهی برای رسیدن به نوآوری، خلاقیت و تشویق به تحقیق و توسعه بیشتر در زمینه صنعت گردشگری
- سرمایه گذاری در امور زیربنایی نظیر توسعه و ساخت هتل، فرودگاه ها، جاده ها و خطوط راه آهن و...
- استفاده از نیروی انسانی کارآزموده و متخصص در امور مرتبط با گردشگری از قبیل هتل ها، آژانس ها و راهنمایان گردشگران
- اصلاح قوانین و مقررات ورود و خروج اتباع خارجی

- Macedonia, Thessaloniki 54006, Greece, (2010).
8. Jyun-Yi Wu, Chih-Chiang Hsu. Foreign direct investment and income inequality: Does the relationship vary with absorptive capacity?. Commerce Development Research Institute, Taiwan ROC, (2012).
 9. Ludo Cuyvers, Reth Soeng, Joseph Plasmans, Daniel Van Den Bulcke. Determinants of foreign direct investment in Cambodia. University of Antwerp, Kipdorp 61, 2000 Antwerp, Belgium, (2011).
 10. Pravin Jadhav. Determinants of foreign direct investment in BRICS economies: Analysis of economic, institutional and political factor. Indian Institute of Foreign Trade (IIFT), IIFT Bhawan, B-21, Qutab Institutional Area, New Delhi-110016, India, (2012).
 11. Mihaela Gondor, Paula Nistor. Fiscal Policy and Foreign Direct Investment: Evidence from some Emerging EU Economies. Petru Maior University, Tirgu Mures 540088, Romania/ Romanian Academy, Postdoctoral School of Economy, Bucharest, 010071, Romania, (2012).
 12. Sung-Hoon Lim. How investment promotion affects attracting foreign direct investment: Analytical argument and empirical analyses. Department of International Trade, Konkuk University, 1 Hwayang-dong, Gwangjin-Gu, Seoul 143-701, Republic of Korea, (2007).

منابع

۱. خوارزمی، ابوالقاسم، بررسی رابطه علیت گردشگری و تجارت در ایران، مجله پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۷، صص ۹۱-۱۰۸، (۱۳۸۴).
۲. درگاهی، حسن. عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی: درس هایی برای اقتصاد ایران. شریف، (ویژه مهندسی صنایع، مدیریت و اقتصاد)، شماره ۳۶، (۱۳۸۵): ۷۳-۵۷.
۳. عاقلی کهنه شهری، لطفعلی. تخمین تابع سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب اسلامی. پژوهشنامه اقتصادی، سال پنجم، شماره ۲، (۱۳۸۴).
۴. کمیجانی، اکبر و عباسی، منصوره. تبیین نقش عوامل موثر بر جلب سرمایه مستقیم خارجی در ایران. تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۳، (۱۳۸۵).
۵. نجارزاده، رضا و ملکی، مهران. بررسی تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادر کننده نفت. پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۳، (۱۳۸۴).
6. Robert L. Underwood. Automotive foreign direct investment in the United States: Economic and market consequences of globalization. Kelley School of Business, Indiana University, (2012).
7. Dimitrios Hristu-Varsakelis, Stella Karagianni, Anastasios Saraidaris. Equilibrium conditions in corporate tax competition and Foreign Direct Investment flows. Department of Applied Informatics, University of

18. Selvanathan, S.E & Viswanathan, B. Causality between Foreign Direct Investment and Tourism: Empirical Evidence from India, *Tourism Analysis*, No.13, pp.427-432, (2009).
19. Toh, R.S., H. Khan, and A.J. Koh A travel balance approach for examining tourism area life cycles: The Case of Singapore, *Journal of travel Research*, No.39, pp. 426-432, (2001).
20. Balaguer, J. & Cantavella-Jorda, M. Tourism as a long runs economic growth factor: The Spanish case, *Applied Economics*, No.34, pp. 877–884, (2002).
21. Eugenio, M.J, Morales, M. N & Scarpa, R. Tourism and Economic Growth in Latin American Countries: A Panel Data Approach, *Natural Resources Management (NRM), NOTA DILAVORO 26*, (2004).
22. Dritsakis, N. Tourism as a long-run economic growth factor: An empirical investigation for Greece using causality analysis , *Tourism Economics*, No.10, pp.305–316, (2004).
23. www.UNCTAD.org
24. www.WorldBank.org
13. Blonigen, B. A. A Review of the Empirical Literature on FDI Determinants. NBER Working Paper, No. 11299, (2005).
14. Gorg H, and et al. Foreign Direct Investment, Tax Competition and Social Expenditure. University of Dundee Working Paper, No. 198, (2007).
15. Alvarez, M. FDI Determinant Factors: The Case of Catalan Multinational Manufacturing Firms. Department of Econometrics, Statistics and Spanish Economy- University of Barcelona, (2003).
16. Gollub, J, Hosier, A, & Woo, G. Leakages and linkages in the tourism sector: using cluster-based strategy to minimize tourism leakages, in *WTO/OMT Studies in relation to Trade Negotiations on tourism services. Leakages and linkages Competition problems, sustainability standards* ,(Madrid: WTO/OMT), (2003).
17. Oh, C.O. The contribution of tourism development to economic growth in the Korean economy , *Tourism Management* , No.26, p.39–44, (2005).